

## هو المتعالى العليم الخبير

تبارك اليوم الذى فيه انار افق البيان و استوى الرحمن على عرش العظمة و الاحسان و نطق فى الامكان بما انجذب به المخلصون و طار به الموحدون و نطق به المقرَّبون اَنَّهُ لا اله الا هو لم يزل كان مقدساً عن الأمثال و لا يزال يكون بمثل ما قد كان لا اله الا هو العزيز المتعال هذا يوم فيه ظهر الاسم الأعظم و استضاء به العالم طوبى لمن اقبل اليه و شرب كأس البلايا فى سبيله و الرزايا فى حبه اَنَّهُ مَمَّنَّ فاز بعرفانه و طار فيهبواء قربه يصلين عليه الملاء الأعلى و يستبركن به ملكوت الأسماء نعيماً ثم نعيماً لمن تردى برداء البلاء فى سبيل الله مالك الأسماء طوبى ثم طوبى لمن أخذ و مُنِع و سُجِن و بُلِيَ فى حبِّ الله فاطر الأرض و السَّماء لعمر الله يخاطبه جواهر الوجود فى غرفات الكلمات و يذكره حقائق الأسماء فى قصور الأذكار و الصِّفات علم الله يشئى عليه كلُّ الأشياء و يستقرين به العباد الى الله منزل الآيات يا ليت كان الخادم مع احبَّاء الله اذ دخلوا فى السِّجن و ذاقوا كأس البلاء بما اكتسبت ايدى اهل التفاق فسوف يأخذهم الله بقهر من عنده و يزيين هياكل اوليائه بطراز لا يبلى و عزَّ لا يفنى و جمال لا يستره غطاء الانشاء و نور لا تحجبه ظلمات من اعرض عن الأفق الأعلى كذلك يجزى الله المخلصين من عبادته و الموحدين من خلقه و المخلصين من اصفياه اَنَّهُ لهو المقتدر على ما تشاء لا اله الا هو العزيز المحبوب

يا حبيب فؤادى كيف يقدر ان يذكر قلمي الكليل من شرب رحيق الوحى من يد عطاء ربِّه و حمل الشدائد فى سبيله لعمرى اَنِّى اكون معترفاً بعجزى و قصورى عن اداء ذكر ما انت عليه فى حبِّ الله مولاك و مولاي و مولى العالمين ولكن استفرح بذكرى لأنَّ به ارى نفسى واقعاً بين صفوف الذين يذكرون اصفياء الله و احبَّائه و اوليائه الله و اودائه

و بعد عرض ميشود كه بعد از اصغاء ثناء حضرتك محبوب العالم و عرفان ما تغرَّد به حمامة قلمك فى ذكر الله مالك القدم اذاً وجدت بيتى رحيباً و قلبى وسيعاً و صدرى منشرحاً و فؤادى طائراً الى المقصد الأقصى و المنظر الأبهى حضرت و عرضت ما فى كتابكم اذاً توجهت الى وجه المحبوب و نطق بما انجذبت به القلوب تعالى تعالى بيانه من ان يصفه عبادته كأنى رأيت بأن ملكوت البيان يطوف حول ما يخرج من لسان عظمته و كينونة الغيب و الشهود تهول عند ما يتفوه به فم اقتداره قال جلَّ كبريائه يا على قبل اكبر انا نذكرك من شطر منظرى الأكبر لتسمع ندائى و تجد نفسك فى فرح عظيم لعمرى قد كنت معكم اذ دخلتم فى السِّجن طوبى لكم ثم طوبى لكم بما حملتم البلايا فى سبيلى و الرزايا فى اعلاء كلمتى و ارتفاع امرى ان ربك لهو البصير طوبى للذين دخلوا حصن عرفانى و طاروا فى هواء حبِّى و شربوا رحيق وحبِّى و اخذهم سكر خمر بيانى على شأن انقطعوا عن سوائى و توجهوا الى وجهى و اقبلوا الى افق فضلى و تمسكوا بحبل عنايتى و تشبثوا بذيل كرمى اَنَّهُم من الذين يذكرهم السن العالم و يخضع لأسمائهم كلَّ الأمم يشهد بذلك لسان عظمتى و ملكوت بيانى و هذا القلم الذى يستن فى مضممار العرفان و انا الخبير ان الذين فازوا بالسِّجن قد فازوا بذكر قلمي الأعلى و اَنَّهُ لأعزَّ الأشياء لعمر الله لا يعادل به ما خلق بين الأرض و السَّماء طوبى ثم طوبى لمن تشرف بطراز الاستقامة اَنَّهُ من اعلى الخلق فى كتاب الله ان ربك لهو العليم كبر من قبلى على وجوههم قل طوبى لوجوهكم بما توجهت الى وجه الله و لقلوبكم بما تقرَّبت الى الغاية القصوى و لنفوسكم بما اقبلت الى الأفق الأعلى قد ذقتهم فى سبيلى كأس البلايا ان اشربوا اليوم من يد عطائى رحيقى الأبهى و كوثرى الأصفى لأقول هنيئاً لكم و مريئاً لكم فى ملكوت الانشاء كذلك يذكركم الله بأحسن الذكر اَنَّهُ لهو الكريم ان افرحوا باسمى ثم اشربوا بذكرى انا توجهنا

الیکم و نکبر علی وجوهکم من هذا المقام الجمیل قد كنت محزوناً بحزنکم و نفرح فی هذا الحین بما یذکرکم الله بنفسه جزاء ما علمتم فی سبيله المستقیم لو یجدون احبائی لذة البلیا فی سبیلی ليقدموا الهدایا باسمی لأعدائی جزاء ما عملوا بهم لأن بهم بلغوا هذا المقام الذی یذکرهم جمال القدم فی هذا السجن العظیم قد اشتروا لأنفسهم مقاماً فی السقر و لکم مقاماً فی منظری الأكبر تعالی من لا یضرّ محبیه ضرّ العالم و ظلم الأمم فیا بشری لنفس عرفت ما نطق به لسانی العزیز انتهى

یا بهجة قلبی مشاهدة عنایات الهیه نمائید قسم بآفتاب افق بیان اگر جمیع اهل امکان در این آیات منزله تفکر نمایند و در رأفت و شفقت و عنایت حقّ جلّ کبریائه تعقل کنند هرآینه جمیع بحر کرم توجه نمایند و بافق فضل ناظر گردند چه فایده که سکر هوی من فی الانشاء را اخذ نموده الا من حفظته ید قدرة ربنا المقتدر القدير

اینکه در باره ورقه کبری حضرت اخت علیها من کلّ بهاء ابهاه نوشته بودند بساحت اقدس عرض شد حسب الامر آنکه هر نفسی بخواهد حقوق الله را ادا نماید و از آن وجه بایشان برسد بقدر کفاف و ادای دین لدى الحقّ مقبول است و لکن مطالبه نمودن حقوق از نفسی جایز نه از حقّ بخواهید احباً را مؤید فرماید بر ادای حقّ الله چه که اینقره سبب پاکی مال و حفظ آن و خیرات و برکات بوده و خواهد بود انتهى

و اینکه ذکر اسامی احبّاء الله فرمودند یعنی نفسیکه لمحبه الله وارد سجن شدند یشهد الخادم ما انزله الرحمن فی حقهم لیکفی العالم و ینطق السن الأمم علی ذکرهم و ثنائهم وقتی از اوقات ذکر آن نفوس از لسان عظمت اصغا شد بعنایت کبری ذکر هر یک را فرمودند و بعد فرمودند از حقّ بخواهید که اینمقام اعلی و نعمت کبری را باسم حقّ و محبت او حفظ نمایند و از توهّمات عباد مضطرب نشوند باید بکمال سعی و اجتهاد اینمقام ارفع اعلی را ناظر باشند و در کلّ حین بشکر الهی ناطق

اینکه در باره جناب آقا میر عبدالباقی و دو نفر دیگر علیهم بهاء الله مرقوم داشتند بساحت اقدس عرض شد فرمودند طوبی لهم و لهم المقام الأسنی فی کتاب ربهم العزیز الحکیم انا زینا الذین مسّتهم البأساء فی سبیل الله مالک الأسماء بما یقی به ذکرهم فی ملکوت الله رب العالمین قل ان اصبروا کما صبر مولاکم و انه معکم و ینصرکم کیف یشاء لا اله الا هو المقتدر القدير علیهم بهاء الله و رحمته كذلك یذکرکم محبوب العالم فی هذا السجن المبین ما ینبغی لکم الیوم ان تسألوا ربکم الرحمن بأن یکنز لکم ما عملتم فی سبيله و یحفظکم علی ما انتم علیه لعمری هذا لفضل الأكبر یشهد بذلک مالک القدر طوبی لکلّ سامع بصیر انتهى

باری بعد از عرض تفصیل مسجونین در ساحت اقدس کمال عنایت در باره ایشان ظاهر چنانچه از آیات منزله مستفاد میشود هنیئاً لهم و انشاءالله عنقریب نجات خواهند یافت اگرچه فی الحقیقه در نجات کبری هستند چه که فی سبیل الله واقع شده حسب الامر آنکه جمیع احبّای الهی باید بکمال سکون و وقار حرکت کنند و در جمیع احوال بحبل حکمت متمسک باشند و بمنتهای روح و ریحان اهل امکانرا از ریحی حیوان زنده نمایند و فرمودند در آیات منزله این مضمون نازل که اگر احبّاء لذت بلایای فی سبیل الله را بیابند هرآینه تقدیم هدایا نمایند از برای کسانیکه ایشانرا باین فیض اعظم فائز نمودند حال این معلومست که مقصود اظهار علو اینمقام و سمو این رتبه بوده حال اگر نفسی بر حسب ظاهر تقدیم هدایا نماید البتّه از حکمت خارج شده چه که این سبب تحریک و وضوا و نفاق خواهد شد بگو ای دوستان لسان رحمن میفرماید متمسک شوید باموریکه سبب بهجت و سرور و سکون عباد گردد در اکثری از الواح نازل که اطفال روزگار را باید بلبن که رقیق و لطیف است تربیت نمود تا ببلوغ فائز شوند البتّه غذای ثقیل را حمل نتوانند نمود آنه یذکرهم بما ینفعهم و انه هو خیر الذاکرین و البهّاء علیکم و علی الذین توجّهوا و فازوا باستماع آیات الله رب العالمین

یا علی مرّه آخری ینطق قلمی الأعلى و یوصی احبائه بالاتحاد فی امر اللّٰه لعمری به تفتح ابواب الخیرات ان ربک لهُو المبین العلیم طوبی لمن یجعل هذه الکلمة نصب عینیه نشهد انه من الفائزین انتهى

نفوس مذکوره اگرچه الطاف الهیّه نسبت بایشان در آیات منزله بشأنی ظاهر که فوق آن متصوّر نیست بعد از زیارت آنجناب هم شهادت میدهند بآنچه عرض شد و لکن مع ذلک حین تنزیل آیات کلمهئی از لسان عظمت شنیده شد که مشعر بود بر اینکه مخصوص آن نفوس الواح منیعہ هم نازل میشود ولو بیک آیه باشد طوبی لهم بما فازوا بعنایة ربهم از کان الناس اکثرهم محرومین عن هذا الفضل الأقدس الأعزّ الأعظم البدیع المنیع

عرض دیگر آنکه جمیع دوستان یعنی نفوسیکه از باده ذکر الهی مستند و بیاد دوست خرسند از قبل این فانی تکبیر بدیع منیع برسانید و بفرمائید امروز روزیست که همه نبیین و مرسلین منتظر آن بوده‌اند و از حقّ جلّ و عزّ ملاقات آنرا سائل و آمل هذا یوم فیہ جاء اللّٰه و هذا یوم فیہ نطق الفرقان الملک یومئذ للّٰه و اینست آن یومیکه بذکر آن جمیع کتب مزین شده باید احبای الهی با کمال اتحاد و یکتائی و یگانگی بر امر اللّٰه ثابت و مستقیم باشند فرمودند بنویس بجناب علی قبل اکبر علیه بهاء اللّٰه که امروز باید نفوس مقبله را از کأس عرفان پی در پی نوشاند و بمائده بدیعہ منیعہ تربیت نمود تا در امر اللّٰه مستقیم و ثابت شوند بقسمیکه احدی از اهل عالم قادر بر تغییر و تبدیل آن نباشد ناس ضعیفند و بعضی حرفهای لایسمنه و لایغنیه اهل فرقان در گوش و جان ایشان باقی مانده لذا بعضی موهومات را شاید اصغاً نمایند قل لیس الأمر کذلک لو یکشف لکم ما ستر عنکم لتدعون الدنیا و ما فیها من الکلمات و الاشارات و تتمسکون بالکلمة الّتی احاطت العالم ای دوستان از اوهامات و ذکر قبل قلب را طاهر و مقدّس نمایند شاید بانوار بدیعہ فائز و منور گردید تفکر و تدبیر نمایند در آنچه گفته‌اند و در آنچه واقع شده در اینصورت بر کذب روات که در طبقه اول قائم بوده‌اند مطّلع و واقف شوید لعمر اللّٰه اذا ترون شمس الاطمینان مشرقة من آفاق قلوبکم و قمر الایقان لاثناً من سموات وجودکم و تجدون انفسکم علی مقام لا یبلغه غیرکم و ترون ما دونکم من ملأ البیان فی اسفل المقام قل یا احبائی دعوهم بأوهامهم و بما تنطق به السنتهم الکذبة لعمر اللّٰه هذا یوم لا یذکر فیہ ما عندهم یشهد بذلک القلم الأعلى و لسان اللّٰه فیملکوت الانشاء انه لهُو المبین الخیر انشاء اللّٰه باید دوستان محبوب عالمیان در این فقرات و فقرات دیگر که از قلم وحی جاری و نازل شده تفکر نمایند در اینصورت جمیع نفوس را یعنی آنانکه از ریح حقیقی محروم و ممنوع شده‌اند معدوم صرف و مفقود بحت مشاهده کنند و حقّ المحبوب انسان سمیع از کلمات نفوس مشرکه طاغیه کاذبه موهومه قدرت حقّ را مشاهده نماید که چگونه بعد از خرق حجابات موهومه مجدداً باوهامات دیگر مبتلا شده‌اند قسم باسم اعظم که از یوم اللّٰه چیزی ادراک ننموده‌اند و از بحر بیان الهی قطرهئی نیاشامیده‌اند ذرهم فی خوضهم یلعبون و لکن باید احباب را تربیت نمود تا صدهزار مثل آن نفوس موهومه را معدوم و فانی ملاحظه نمایند تازه اراده بئر جدید نموده‌اند و به جابلقا میخوانند تشریف ببرند بگو یک ناحیه مقدّسهئی هم تشکیل بنمائید و گاه گاهی هم تواقیع متعدّده از آنجا اظهار نمائید بگو آفرین بر ادراک و شعور شما که هنوز نفهمیدید که آنچه در دست داشتید و بان افتخار مینمودید عنداللّٰه مذکور نبوده معدودی برخاستند و زمام ناس بیچاره را اخذ نمودند و چه قدر مجعولات و موهومات از آن نفوس که خود را رؤسای قوم و نقبای ارض میشمردند منتشر شده اگر نفسی منصف باشد مشاهده مینماید که سبب شهادت نقطه اولی روح ما سواه فداه آن نفوس کذبه بوده‌اند یا لیت کنت مأذوناً من اللّٰه و عرضت و ذکرتم ما هو المستور عنهم و عن اکثر الناس الأمر بیده یأمر و یمنع و لا یسأل عمّا یفعل و هو السائل المقدر القدر حال مشاهده نمائید آنچه عرض شد کلّ اهل بیان بان مطّلع مع ذلک نمیتوان اینمقام را واضح ذکر نمود چه که مضطرب و متزلزل مشاهده میشوند حال قوت اوهام را ملاحظه فرمائید که نفوس موهومه را چگونه احاطه و اخذ نموده بفرمائید اگر در تعمیر سردابی هم مشغول میشدید بسیار خوب بود چه که بقول شخصی باید مابعد به ماقبل مطابق باشد لا شکّ فی ذلک انّ الموهوم یطابق الوهم بالوهم فویل لهم و لمن اتبعهم قد شهد الرّحمن بانّ هذا امر بدیع قد

جعلہ اللہ مقدساً عن المثل و الأمثال و عن القبل و البعد و انه لہو بدع السموات و الأرض طوبی للعارفین باری باید آنحضرت  
بکمال حکمت تکلم فرماید چه که بعضی از بیانات هست که مثل شمس واضح و لائح و مشرقست معذک اگر انسان بآن  
تفوه نماید سبب اضطراب قلوب گردد اسرار معانی و بیان را نمیتوان مابین مظاهر حیوان ذکر نمود انشاء اللہ آنچه سعی و قوه  
هست بحکمت و بیان در خدمت امر رحمن مبذول دارید

---

این سند از [کتابخانه منابع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۸ نوامبر ۲۰۲۲، ساعت ۱۰:۳۰ قبل از ظهر